۵

خاطرات مرحوم حجت‌الاسلام شجونی

حمله توده‌ای‌ها به تکیه امام حسین (ع)

یک بار هم در مورد همین بی‌حجابی و انحراف در ممالک اسلامی مطلبی نوشته بودم بـه این مضمون که اســتعمار انگلیس، رضاخـان را در ایران و آتاتورک را در ترکیه گماشت تا عمامه را از سـر روحانیون و چادر را از سـر زن‌ها بردارند. یاسـین هاشـمی[1] را هم در عراق گماشت که او هم همین کار را می‌کـرد و آن شـرکت تجاری هند شـرقی را هم در هندوسـتان برای این منظور تأسـیس کردند. افرادی، مثل سلطان تیبو و همسرش فاطمه با آنهـا جنگیدند کـه به هر حال، این شـخصیت‌ها را هم نابود کردنـد. ما مأموریت این نوکـران اسـتعمار را در عمل مشـاهده کردیم که در اینجا مأمور بی‌عفـت کردن بانوان و ذلیل کردن روحانیون بودند.

فعالیت‌های حزب توده

یادم می‌آید که وقتی حزب توده در شهر ما به قدرت رسید، حتی تکیه‌ای را که حسینیه بود و از قدیم هم جای مقدسی بود، اشغال کردند. من اخوی زاده‌ای داشـتم کـه در مقابـل آنها ایسـتادگی کرد. ایشان با این که کارمند وزارت کشـاورزی بود، فعالیت مذهبی هم داشت و هیئت ابوالفضل درست کرده بـود. در نهایت، حزب توده در سـاختمانی که به فاصله صد، صد و پنجاه متـری آنجا بود، مسـتقر شـد. افرادی که در حزب توده به ریاست رسیده بودند، در میان مردم شهرستان فومن محبوبیتی نداشتند. فقط یک چکمه می‌پوشیدند و شعار می‌دادند که ارباب‌ها باید چنین بشـوند و چنان بشـوند و شعار حمایت از رنجبران و زحمت‌کشان می‌دادند. یادم هست که از قضا، یک بار مادرم مرا فرستاده بود که از مزرعه مقـداری علوفه بیاورم. هنگام برگشت، علوفه روی کولم سـنگینی می‌کـرد. از کنار مقر حزب توده که رد می‌شدم، گفتم: «برادران، رنجبران، کجا هستید کـه بیایید بار مرا بردارید؟» آنها آدم‌هـای مفت‌خـور، بی‌حیا و پررویی بودند که شـب به خانه مردم می‌ریختند که البته بعدها شکست خوردند. یکی از اقوام ما که نامش رضا رضایی بود، اشعار مفصلی در مورد آنها سروده بود و در این شـعرها، اسامی اعضای حزب تـوده را که در شـهر ما بودند، آورده بـود. مردم نیز در مورد یکی از لات‌ها به نام «رفیع» که بگیر و ببندی داشـت و جزو قلدرهای حزب توده محسـوب می‌شـد، شعرهای محلی سروده بودند. همچنیـن برای فردی به نـام «ناصرانی» که با تشـکیل میتینگ برای مردم سـخنرانی می‌کرد، هم شـعر درست کرده بودند. شـعر جالبی بود که الآن کاملاً یادم نیست. یک «چلنگری» هم داشتیم که برای حزب توده، قمه و چاقو درست می‌کرد. برای او هم آقای رضا رضایی شعر گفته بود. این شعرها در آن زمان زبانزد بچه‌ها بود.

بعداً از قدرت توده‌ای‌ها کاسته شـد. دولت مرکزی که قدرتمند شد، اینها را سرکوب و زندانی کرد و یک تعدادی هم فراری شـدند ولی در مجموع، حرکت‌هایشان حرکات مردم‌پسندی نبود. البته با ظالم بـد بودند و یک حرکت ضد ظلم وجود داشت. ما بعضی توده‌ای‌ها را توده‌ای‌های ابوالفضلی می‌گفتیم، چـون اینها نماز هم می‌خواندند و خـدا و پیغمبر را قبول داشـتند. مثلاً آقای احمد آرام[2]- کـه آدمـی مذهبـی و نماز خوان بود- اما به خانه صلح حزب توده که در خیابان فردوسی و نزدیکی میدان امام بود، رفت و آمد داشت. یک بار از او پرسیدم که بابا، تو که مذهبی و نمازخوان بودی، چرا به خانه صلح می‌روی؟ گفت: «آخر جایی نداشـتیم. جایی به نام نهضت اسـلامی وجود نداشـت و ما هم قاطی توده‌ای‌ها شدیم و علیه ظالم‌ها می‌جنگیم».

اخـوی زاده بزرگـم، حاج اسماعیل شجونی- که کارمند وزارت کشاورزی بود و در سال ۱۳۷۶ فوت کرد- خیلی علیه حزب تـوده تـلاش و مبارزه می‌کرد. توده‌ای‌ها یک شـب ریختند تکیه امام حسـین(ع) و هیئـت قرائت قرآن را بر هم زدند؛ منبر و چند قرآن کریم را هم آتش زدند و میز و صندلی را با چماق شکستند. تمام این چیزها یادم اسـت. معروف بود که حزب توده فومن این تکیه را به هم ریخته اسـت. البته، بعدها مردم یادآور می‌شدند که فلان کسی که آتش زد، چگونه مرد و فلان کسی که با چماق چنین کرد، چه جور مرد یا مثلاً مردم می‌گفتند کسی که چادر از سر مادر من برداشت، بعدها این جوری مرد؛ زنش این جوری مرد و خودش به پیسـی افتاد. مردم آنهایی را که در کشـف حجاب نقش داشـتند یا برای حزب توده فعالیت می‌کردند، آدرس دارند که کی و کجا و با چه نکبتی سقط شده‌اند.

*** توده‌ای‌ها یک شب ریختند تکیه امام حسین(ع) و هیئت قرائت قرآن را بر هم زدند؛ منبر و چند قرآن کریم را هم آتش زدند و میز و صندلی را با چماق شکستند. تمام این چیزها یادم است. معروف بود که حزب توده فومن این تکیه را به هم ریخته است.**

*** استعمار انگلیس، رضاخان را در ایران و آتاتورک را در ترکیه گماشت تا عمامه را از سر روحانیون و چادر را از سر زن‌ها بردارند. یاسین هاشمی را هم در عراق گماشت که او هم همین کار را می‌کرد.**

*** یادم می‌آید که وقتی حزب توده در شهر ما به قدرت رسید، حتی تکیه‌ای را که حسینیه بود و از قدیم هم جای مقدسی بود، اشغال کردند. من اخوی‌زاده‌ای داشتم که در مقابل آنها ایستادگی کرد.**

۱. پادشاه عراق پس از جنگ جهانی اول.
۲. احمد آرام در سـال ۱۲۸۱ هـ‌ش در تهران به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشکده حقوق شد ولی چندی بعد رشته طب را برگزید. علاقه زیاد او به تعلیم و تربیت، باعث شـد که طب را در آخرین سال رها کند و به خدمات فرهنگی در وزارت فرهنگ بپردازد. این دوره فعالیت فرهنگی او از سـال ۱۳۰۲ تا ۱۳۳۵ هـ ش به طول انجامید و از سال ۱۳۳۵ به بعد، در سازمان انتشارات فرانکلین به فعالیت خود ادامه می‌داد. آرام، اغلب کتب علمی را به فارسی ترجمه می‌کرد. وی با مجله «سخن علمی» نیز همکاری داشت. از ترجمه‌های مهم او می‌توان: «شش بال علم»، «اثبات وجود خدا»، «مرزهای دانش»، «تاریخ و فلسفه علم کلام»، و... را نام برد. وی سرانجام در سال ۱۳۷۷ در تهران درگذشت. (دایرةالمعارف دانش و هنر، ذیل «آرام، احمد»).

خاطرات
مرضیه حدیدچی (دباغ) – ۱

روایت خانم دباغ از قیام ۱۵ خرداد

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

خواب عجیبی که دیده بودم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تعبیر شد.

دهه اول ماه محرم آن سال حال و هوای خاصی داشت. مراسم سوگواری سالار شهیدان اباعبدالله الحسین(ع) به دل‌هایی که از فاجعه خونین فیضیه جریحه‌دار بود، چنگ می‌زد؛ و خون‌ها را به جوش می‌آورد.

سخنرانی‌ها و خطابه‌های آتشین برخی وعاظ و علما و روحانیون بر منابر مسـاجد و تکایا و حسینیه‌ها و حضور پرجوش و خروش مردم متدین در این مجالس از طرفی و تهدید رژیم شاه مبنی بر برخورد با کسانی که علیه شـاه و اسرائیل داد سخن می‌دهند و می‌گویند که اسلام در خطر است از سوی دیگر، همه نشانگر این بود که لحظات آبستن حادثه‌ای بزرگ است.

دو روز پس از راه‌پیمایی عظیم عاشـورا کـه نماد مخالفت عمومی با حاکمیت رژیم شـاه بـود، منزل حضرت امـام محاصره و معظم‌له دسـتگیر و از قـم بـه پـادگان عشرت‌آباد (ولی عصر (عج)) تهران منتقل شد. در مدت کوتاهی خبر دستگیری امام در سطح شهر تهران دهان به دهان پخش شد. رژیم از بیم حرکت و واکنش، مردم شهر را در محاصره چکمه‌پوشانش گرفته بود. صفوف آن‌ها حکایت از آرایش نظامی جنگی می‌کرد.

هنگامی که آتشفشـان خشم مـردم خـروش کرد و مـردم به کوچه‌ها و خیابان‌ها ریختند و در اعتراض به دسـتگیری پیشـوای دینی و رهبری سیاسی‌شان شعار دادند... خون از در و دیوار شهر فرو می‌چکید.

صبح آن روز خونین، من برای گرفتن نان از خانه بیرون رفتم. در میدان خراسان جمعیت موج می‌زد. به سمت خیابان شهباز (۱۷ شهریور) رفتم. پاسبان‌های کلانتری ۱۴ را دیدم که در مقابل مردم ایسـتاده و آرایش تهاجمی و جنگی دارند. وضع کاملاً غیرعادی بود، ولی هجوم بحرانی نشـده بود. وارد نانوایی سـنگکی شدم، چند نفر جلوتر از من آن جا بودند. منتظر ماندم تا نوبتم فرا برسد. ناگهان سـر و صدایی به گوش رسید، بعد صفیر گلوله بود که سینه‌های مردم را می‌شـکافت. با شروع درگیری شاطر دست از کار کشید و مشتری‌ها را به زیرزمین مغازه فرستاد. برای من رفتن به آن جا در حالی که پنج یا شش نفر مرد حضور داشـتند، صلاح نبود؛ در همان مغازه ایسـتادم. از سوراخ روی کرکره دیدم که گلوله‌ای سـینه نوجوانی را شکافت، صحنه فجیعی بود؛ دیدن این منظره سـخت تکانم داد، خشم تمام وجودم را فرا گرفت، دندان‌هایم را به هم می‌فشـردم تا خودم را کنترل کنم. مردم نیز با دیدن صحنه پرپر شدن آن نوجوان خونشان به جوش آمد، و با صدایی محکم‌تر شـعار می‌دادند و ابراز مخالفت می‌کردند. پاسبان‌ها فرار را بر قرار ترجیح دادند. مردم خشـمگین با کیوسک تلفن عمومی و بشکه و برخی وسایل دیگر در خیابان مانع ایجاد کردند، تا پاسبان‌ها در حمله‌ای دیگر با ماشین به تعقیب آن‌ها نپردازند.

پس از گذشـت یک ساعت و ریختن خون‌های بسیاری اوضاع اندکی آرام شـد. شاطر شـروع به پخت نان کرد و من پس از گرفتن سه قرص نان، از آن جا خارج شدم و از کوچه پس‌کوچه‌ها خود را به منزل رساندم. حماسه ۱۵ خرداد و مشاهده صحنه‌های خونین آن روز پاسخی برای بعضی پرسـش‌هایم بود، پرسش‌هایی مانند این که بدانم ظالم و مظلوم کیست؟ منشـأ ظلم کجاست؟ ستمگری و ستم‌سوزی یعنی چه؟ خائن کیست؟ و چه کسی و چه چیزی سبب عقب‌ماندگی است؟ و...

چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم

فشـار گسترده افکار عمومی و خواسـت مصرانه مردم و اعتراض‌های پیوسـته روحانیان و مراجع، سبب شد که رژیم، امام را پس از گذشت ده ماه آزاد کند. مردم گروه گروه به دیدار ایشان می‌شتافتند، با شنیدن اخبار قم؛ من نیز شـایق بودم که به دیدار مرشـد و مرادم بروم. از حاج آقا دباغ خواهش کردم که مرا به قم و دیدار امام ببرد. او ابتدا به دلیل مشغله زیاد و نداشـتن اجازه از صاحب‌کارش با این سـفر موافق نبود. اما سرانجام در برابر اصرارهای من تسلیم شد. خدا می‌داند که چقدر برای رفتن به قم از او خواهش کردم و او به دو ساعت حضور در قم رضایت داد.

به سـوی قم رفتیم، تمام طول مسیر در فکر غوطه‌ور بودم؛ و دوست داشتم که مسیر کوتاه می‌شد تا من سریع‌تر امام را زیارت می‌کردم. حضرت امام صبح‌ها و عصرها چند سـاعتی برای ملاقات عمومی برنامه داشتند و وقت می‌گذاشتند.

متأسفانه ما زمانی وارد قم شدیم که گفتند ملاقات عمومی صبح تمام شـده است. خدا می‌داند با شنیدن این خبر چه غمی بر دلم نشست. من که با هزار امید و آرزو و در شرایطی بس مشکل خودم را به آن جا رسانده بودم، و من که در امام بارقه‌هایی می‌دیدم؛ که پاسخگوی بزرگ زمانه است و می‌تواند به پرسش‌های ریشه دوانده در ذهن و جانم پاسخ بگوید، حال با دری بسته رو به رو شده بودم. بغض گلویم را گرفت، و اشک در چشمانم حلقه زد؛ اندوه بی‌سـعادتی و کم‌توفیقی بر قلبم سـایه انداخت، با همین حال رو به سـوی حرم بی‌بی حضرت معصومه(س) و با چشم تمنا به آن نگاه کردم، شوهرم که متوجه حال و روز من بود گفت که وقت تنگ است و بهتر است به زیارت حرم برویم. با دلی شکسته، پای به کوی و حریم یار گذاشتم، در دل فریاد می‌زدم: «بی‌بی‌جان! چرا راهی پیش پایم نگذاشتی تا آقا را ببینم؟ بی‌بی! چرا این توفیق از من گرفته شد؟ چرا کمک نکردی؟ چرا...؟». با زیارت و نماز بود که کمی دلم سبک شد.

برای بازگشت به تهران، به خیابان پشت مسجد امام حسن عسگری(ع) رفتیم. راننده‌ای داد می‌زد: «تهران! تهران!» درون مینی‌بوس چهار یا پنج نفر نشسته منتظر بودند تا ماشین پر شود. ما نیز به آن‌ها پیوستیم. من از ناراحتی لب نمی‌گشودم و از شیشه خیره به بیرون می‌نگریستم.

ساعت دو بعد از ظهر راننده آمد و گفت: «آقا برای مجلس ختم شهدا به مسـجد آمدند، هر کس می‌خواهد ایشان را ببیند، عجله کند، ما صبر می‌کنیم.» با شنیدن این خبر گویی تمام دنیا را به من داده‌اند، سراسیمه به سوی مسجد شتافتم. از در که وارد شدم جمعیت زیادی را دیدم، با وجود انبوه مردم امکان حرکت به جلو نبود، در همان جا ایسـتادم، در حالی که پوشـیه به صورت داشتم امام را در صدر مسجد دیدم! چهره ایشان همان چهـره نورانی و الهی‌ای بود کـه در خواب دیده بودم. حاج‌آقا مصطفی در مجاورت آقا نشسـته بود. به حاج آقا دباغ گفتم: «من آقا را قبلاً دیده‌ام!» گفت: «نه، اشـتباه می‌کنی.» در همان حال ایستاده و بی‌اختیار دست به سینه گذاشتم و تعظیم کرده سلام گفتم. از همان راه دور. گویا آقا متوجه احترام ما شـدند. دستشـان را بالا بردند و حرکت دادند. دیگر در پوست خود نمی‌گنجیدم و سر از پا نمی‌شناختم، گویی که از چشمه حیات‌بخش کوثر نوشـیده‌ام. روح و جانی دوباره گرفته، برایم یقین حاصل شد که آن مولا و آقایی را که مدت‌ها پیش در خواب دیده بودم و از شـدت درد شانه، ناله می‌کرد خود حضرت امام است. حالم دگرگون بود، نفهمیدم که چطور و چگونه از قم به تهران آمدم؛ چون در طـی راه مرتباً در زیـر چادر می‌گریسـتم، حاج آقا مرتب می‌گفت: «مرضیه! خودت را کنترل کن. اگر بفهمند که برای چه گریه می‌کنی، ممکن است برایمان دردسر درست شود. خودت را نگه دار!» ولی مگر ممکن بود؟!

بعد از آن دیدار سرنوشت‌ساز، آتشی در جانم شعله‌ور شد و آرام و قـرار از من ربـود. از آن به بعد زندگـی‌ام غیر معمول شـد، دلم می‌خواسـت کاری بکنم؛ اما چه کاری؟ حیـران بودم، سرگشـته سرگشته. سـه چهار ماهی وضع به همین منوال بود تا کارم به بیمارسـتان کشید، بستری شدم. در مدت بیماری و نقاهت دایم از حاج آقا خواهش و تمنا می‌کردم که خانه و اسباب و اثاثیه را بفروشـد تا به قم برویم، شاید که توفیق خدمت و کلفتی آقا را پیدا کنم، و بدین گونه با دیدار هر روزه‌اش دردها و آلامم را التیام بخشم.

بیماری‌ام شـدت یافت، و بیش از چهل روز در اغما بودم. پزشک‌های زیادی به بالینم آمدند، یکی می‌گفت: «حصبه اسـت!» دیگری می‌گفت: «اعصابش ناراحت اسـت!» شـوهرم که بیشتر با وضعیت روحی من آشنا بود، یکی از علمای قم به نام حاج آقا موسـوی همدانی را که از دوستانش بود به بالینم آورد؛ او در کنار بسترم دعایی خواند. شوهرم چون می‌دانست که من علاقه خاصی به حدیث کساء دارم از او خواست که روضه و حدیث کسـاء را نیز بخواند، با قرائت ایشـان احساس کردم حضرت امام روضه و حدیث کساء را می‌خوانند، به صدای ایشان چشمم باز شد، دیدم این آقای موسوی است که روی صندلی نشسته و دعا می‌خواند، گوشه عبای ایشان را گرفتم و گفتم: «دعا کنید من شفا یابم، بیش از این نمی‌توانم در بستر باشم و از بچه‌هایم دور بمانم.»

دکتر ناصر پرتوی پزشـک حاذقی که متوجه مشـکل روحی و فکری من بود، دستورها و توصیه‌هایی تجویز کرد و مطالبی را با شوهرم در میان گذاشت، که پس از به کار بستن سفارش‌های این پزشک؛ حالم بهبود یافت.

مرحومه مرضیه حدیدچی دباغ از جمله زنان مبارز انقلاب اسلامی بود که در این راه شدیدترین شکنجه‌های ساواک را تحمل کرد. وی در پایگاه نظامی در مرز لبنان و سوریه آموزش‌های رزمی و چریکی را طی کرد و به واسطه همین تجارب ارزنده تا سال ۱۳۶۰ فرماندهی سپاه همدان را به عهده داشت. سرانجام این مبارز انقلابی در ۲۷ آبان سال جاری دعوت حق را لبیک گفت.

***حماسه ۱۵ خرداد و مشاهده صحنه‌های خونین آن روز پاسخی برای بعضی پرسش‌هایم بود، پرسش‌هایی مانند این که بدانم ظالم و مظلوم کیست؟ منشأ ظلم کجاست؟ ستمگری و ستم‌سوزی یعنی چه؟ خائن کیست؟ و چه کسی و چه چیزی سبب عقب‌ماندگی است؟**

***به سوی قم رفتیم، تمام طول مسیر در فکر غوطه‌ور بودم؛ و دوست داشتم که مسیر کوتاه می‌شد تا من سریع‌تر امام را زیارت می‌کردم. حضرت امام صبح‌ها و عصرها چند ساعتی برای ملاقات عمومی برنامه داشتند و وقت می‌گذاشتند.**

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

برگ سبز و سند کمپانی خودروی ام‌وی‌ام مدل ۱۳۹۱ به رنگ قهوه‌ای متالیک به شماره‌شاسی ۰۱۸۲۸۵NATGBAXK۱A۱۰۱۸۵۱۶ و شماره موتور MVM۴۸۴FAFA و شماره انتظامی ۸۶ ایران ۴۹۵ ب ۲۷ به نام محمدابراهیم مکی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی قرار تحریر ترکه

بدینوسیله اعلام می‌نماید به موجب درخواست مهناز برومند و غیره بطرفیت زهرا طاهری و غیره قرار تحریر ترکه مرحوم مرتضی برومندپور اموال منقول و غیرمنقول پرونده کلاسه ۳۹۴/۲/۹۵ ح در شورای حل اختلاف اندیمشک شعبه ۲ صادر وقت رسیدگی و اجرای قرار مورخ ۹۵/۱۰/۲۸ ساعت ۹ صبح تعیین گردیده لذا از ورثه یا نماینده قانونی آنان، بستانکاران و مدیونین به متوفی و کسان دیگر که حقی بر ترکه متوفی دارند دعوت می‌شود در موعد مقرر در دادگستری اندیمشک شعبه ۲ شورای حل اختلاف مراجعه نمایند.

مدیر دفتر شعبه ۲ شورای حل اختلاف اندیمشک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۳۵۴۰ مورخه ۱۳۹۵/۸/۲۴ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک قزوین کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۵۸۶ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن زکانی فرزند الهوردی به شماره شناسنامه ۹۵۱ صادره از قزوین در ششدانگ یک واحد مرغداری به مساحت ۴۸۰۰ مترمربع پلاک ۶۶ اصلی واقع در بخش ۱۲ قزوین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/۹/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۱۰/۱

حسن غلامحسینی- رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین
۱۰۷۰ م‌الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی ششدانگ یکباب ساختمان در قسمتی از پلاک ۱۹۸۸/۱۲۳۷ واقع در بخش دو اهواز

نظر به اینکه هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف اراضی فاقد سند رسمی تصرفات مالکانه آقای عبدالحسین دشت‌بزرگی را در قسمتی از پلاک ثبتی ۱۹۸۸/۱۲۳۷ بخش دو اهواز واقع در پادادشهر به مساحت ۴۰۰ مترمربع را مورد تأیید قرار داده و آگهی‌های موضوع ماده ۳ قانون تعیین و تکلیف انتشار یافته و پلاک مرقوم در جریان ثبت بوده و تحدید حدود نشده است. لذا بنا به درخواست متقاضی آگهی تحدید حدود اختصاصی آن منتشر و به اطلاع مالک و مجاورین و صاحبان حقوق ارتفاقی می‌رساند که عملیات تحدید حدود و نقشه‌برداری در ساعت ده صبح روز چهارشنبه مورخ ۹۵/۱۰/۸ محل انجام و شروع خواهد شد. اعتراض نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی با توجه به ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس به مدت سی روز پذیرفته می‌شود و معترض مؤظف است که ظرف مدت یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و جریان واخواهی خود را پیگیری نماید.

شیخ‌زاده- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز
تاریخ انتشار ۹۵/۹/۱۵
۵/۳۶۶۳ م/الف

ابلاغیه رأی

«آقای محمد زمانی فرزند پرنس با کد ملی ۶۴۶۹۸۸۴۱۸۰ نظر به اینکه در نتیجه عدم حضور شما در شعبه رسیدگی‌کننده و عدم ارسال لایحه دفاعیه براساس دادنامه غیابی شماره ۱۳۹۵۰۰۲۲۶۰۳۹۰۰۰۱۸۶ مورخ ۹۵/۹/۷ به اتهام مباشرت در قاچاق ۱/۹۰۰/۰۰۰ دلار آمریکا علاوه بر ضبط ارز مکشوفه به پرداخت مبلغ یکصد و سی و دو میلیارد و دویست و چهل میلیون ریال جزای نقدی و ممانعت از خروج از کشور به مدت ۵ سال محکوم گردیده‌اید لذا ظرف ۲۰ روز از تاریخ نشر آگهی دادنامه مذکور در شعبه صادرکننده رای قابل واخواهی و ظرف ۲۰ روز دیگر قابل تجدیدنظر در شعبه تجدیدنظر ویژه قاچاق سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشد.»

افشاری- رئیس شعبه ویژه قاچاق کالا و ارز گلوگاه شهید زارعی همدان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۲۵۱۶ مورخه ۱۳۶۵/۵/۱۳ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ قزوین در خصوص پرونده کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۶۷۸ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسنعلی قهرمانی آقچه قیائی فرزند رمضان بشماره شناسنامه ۲ صادره از تاکستان در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۹/۵۹ متر مربع پلاک فرعی از اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵ اصلی واقع در بخش ۵ قزوین خریداری از مالک رسمی آقای ابوالقاسم آغاسی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/۸/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۹/۱۵

علی شهسواری- رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ قزوین
۱۰۳۲/م‌الف

دادنامه

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۶۱۶۵۱۰۱۲۱۲ شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۶۱۶۵۱۰۰۴۱۵
شماره بایگانی شعبه: ۹۱۰۴۷۴ تاریخ تنظیم: ۹۱/۹/۲۵
مرجع رسیدگی کننده: شعبه اول حقوقی شهرستان شوشتر
خواهان: شرکت تعاونی اعتبار ثامن‌الائمه به مدیریت عاملی آقای محمدحسین نظری توکلی با وکالت آقای وحید حقیقی- شوشتر خیابان طالقانی جنب پارکینگ شهرداری
خواندگان: آقایان ۱- قپانی اسـفندیاری غریبوند شوشتر منازل شهرداری لین ۲ منزل شخصی ۲- حسـن قلیلی شوشتر ۳- سهیلا محمدکربلائی ۴- محمدحسین یوسفعلی هر سه به آدرس شوشتر فلکه ۱۷ شهریور بانک صادرات مرکزی
خواسته: مطالبه

«رأی دادگاه»

در خصوص دادخواست شرکت تعاونی اعتبار ثامن‌الائمه به مدیریت عاملی آقای محمد حسـین نظری توکلی با وکالت آقای وحید حقیقی به طرفیت آقایان ۱- قپانی اسـفندیاری غریبوند فرزند علی‌مراد ۲- حسـن قلیلی فرزند عبد شـعیب ۳- سهیلا محمدی کربلائی فرزند رحیم ۴- محمدحسـین یوسـفعلی فرزند حسـن به خواسته مطالبـه مبلغ ۹۰/۱۶۶/۷۳۳ ریال بابت اخذ تسـهیلات بانکی و تاخیـر تادیه تا تاریخ ۹۱/۲/۱۶ بانضمام هزینه دادرسـی به شرح دادخواسـت تقدیمی با عنایت به رونوشت مصدق مسـتندات خواهان و قرارداد فروش اقسـاطی به شـماره ۱۰۲۶۰۸ فی‌مابین خواهان و خوانده ردیف اول و ضمانت سایر خواندگان و عدم حضور خواندگان در جلسه دادرسی با وصف ابلاغ قانونی به خوانده ردیف دوم و سوم و سایر خواندگان از طریق نشر آگهی و با توجه به سایر قرائن و امارات موجود در پرونده علیهذا دادگاه دعوی خواهان را ثابت تشـخیص داده و مستندا به تبصره ۲ ماده ۵ قرارداد مذبور و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آئین دادرسـی مدنی و مواد ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنـی و مواد ۴۰۳ و ۴۰۴ قانون تجارت خواندگان را متضامنا محکوم به پرداخت مبلغ نود میلیون و یکصد و شـصت و شش هزار و هفتصد و سی و سه ریال بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه تا تاریخ ۹۱/۲/۱۶ و مبلغ یک میلیون و نهصد و بیسـت هزار ریال بابت هزینه دادرسـی و سه میلیون و دویست و چهل هزار ریال بابت حق‌الوکاله وکیل و پرداخت خسارت تاخیر در تادیه به ازاء هر روز یک ریال در هر هزار ریال اقسـاط معوقه از تاریخ ۹۱/۲/۱۷ لغایت زمان اجرای حکم به عنوان وجـه التزام در حق خواهان می‌نماید. رأی صادره غیابی و ظرف بیسـت روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین مرجع و سپس ظرف بیست روز پس از آن قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان خوزستان می‌باشد.

خواجه حسن‌زاده- رئیس شعبه اول دادگاه حقوقی شوشتر

دادنامه

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۶۱۶۵۱۰۱۱۹۸- شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۶۱۶۵۱۰۰۴۱۷-
شماره بایگانی شعبه: ۹۱۰۴۷۶- تاریخ تنظیم: ۹۱/۹/۲۰
مرجع رسیدگی‌کننده: شعبه اول حقوقی شهرستان شوشتر
خواهان: شرکت تعاونی اعتبار ثامن‌الائمه به مدیریت عاملی آقای محمدحسین نظری توکلی با وکالت آقای وحید حقیقی شوشتر خیابان طالقانی جنب پارکینگ شهرداری
خواندگان: آقایان ۱- حسـن قلیلی شوشـتر بانک صادرات مرکزی مسـئول شعبه ۲- احمد چهارمحالی ۳- شـهناز محمدی‌فر ۴- علیرضا طهماسبی همگی به آدرس شوشتر بانک صادرات مرکزی فلکه ۱۷ شهریور
خواسته: مطالبه

«رأی دادگاه»

درخصوص دادخواسـت شـرکت تعاونی اعتبار ثامن‌الائمه به مدیریت عاملی آقای محمدحسین نظری توکلی با وکالت آقای وحید حقیقی به طرفیت آقایان ۱- حسـن قلیلی فرزند عبدشـعیب ۲- احمد چهارمحالی فرزند محمد ۳- شـهناز محمدی‌فر فرزند خداداد ۴- علیرضا طهماسـبی فرزند میرزاآقا به خواسـته مطالبه مبلغ ۷۸/۷۸۶/۲۱۷ ریال بابت اخذ تسـهیلات بانکی و تأخیر تادیه تا تاریخ ۹۱/۲/۱۶ بانضمام هزینه دادرسی به شرح دادخواست تقدیمی با عنایت به رونوشت مصدق مستندات خواهان و قرارداد فروش اقساطی به شماره ۱۰۷۴۴۳ فی‌مابین خواهان و خوانده ردیف اول و ضمانت سـایر خواندگان و عدم حضور خواندگان در جلسـه دادرسـی با وصف ابلاغ قانونی به خوانده ردیف اول و سایر خواندگان از طریق نشر آگهی و با توجه به سایر قرائن و امارات موجود در پرونده علیهذا دادگاه دعوی خواهان را ثابت تشـخیص داده و مستنداً به تبصره ۲ ماده ۵ قـرارداد مزبور و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آئین دادرسـی مدنـی و مواد ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی و مـواد ۴۰۳ و ۴۰۴ قانون تجارت خواندگان را متضامناً محکوم به پرداخت مبلغ هفتاد وهشـت میلیون و هفتصد و هشتاد و شش هزار و دویست و هفده ریال بابت اصل خواسته و خسارت تأخیر تأدیه تا تاریخ ۹۱/۲/۱۶ و مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار ریال بابت هزینه دادرسی و دو میلیون و هشـتصد و سی و شـش هزار ریال بابت حق‌الوکاله وکیل و پرداخت خسارت تأخیر در تادیه به ازاء هر روز یک ریال در هر هزار ریال اقسـاط معوقه از تاریخ ۹۱/۲/۱۷ لغایت زمان اجرای حکم به عنوان وجه‌التزام در حق خواهان می‌نماید. رأی صادره غیابی و ظرف بیسـت روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین مرجع و سـپس ظرف بیست روز پس از ابـلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان می‌باشد.

خواجه حسن‌زاده- رئیس شعبه اول دادگاه حقوقی شوشتر

آگهی ابلاغ مفاد دادخواست و ضمائم

آقای کاظم بیات فرزند محمد دادخواسـت بطرفیت ۱- خسرو روحانی فرزند حسن ۲- مصطفی عباسی دزفولی فرزند محمد ۳- برزو اسماعیلی ضمامـی فرزند یعقوب ۴- غلامرضا افشـاری فرزنـد نوراله ۵- یعقوب اسماعیلی فرزند محمدعیسی بخواسـته مطالبه تقدیم کرده که به این شـعبه ارجاع به شـماره ۹۵۰۴۷۵/۸/۹۵ حقوقی به ثبت رسیده است حسـب تقاضای نامبرده و اجازه محکمه مستندا به ماده ۷۳ قانون آئین دادرسـی مدنی یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج و از نشـر آگهی در روز دوشنبه مورخ ۹۵/۱۰/۲۰ ساعت ۱۰ صبح در جهت دادرسـی در شعبه شورای حل اختلاف مجتمع شـماره دو حضور یابد و یا قبل از موعد مقرر به دفتر شـعبه مراجعه و یا دریافت نسـخه ثانی دادخواست و ضمائم هرگونه دفاع و پاسخی به دعوی مطروحه وارد قبل از جلسـه دادرسی اعلام نماید بدیهی اسـت در صورت عدم حضور و یا عدم ارسال لایحه دادگاه تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

شعبه ۸ شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو اهواز
علی فتحی

دادنامه

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۶۱۶۵۱۰۱۰۴۱ شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۶۱۶۵۱۰۰۲۸۵ شماره بایگانی شعبه ۹۱۰۳۳۶ تاریخ تنظیم: ۹۱/۸/۲۰
مرجع رسیدگی‌کننده: شعبه اول حقوقی شهرستان شوشتر
خواهان: شـرکت تعاونی اعتبار ثامن‌الائمه به مدیریت عاملی آقای محمدحسـین نظری توکلی با وکالت آقای وحید حقیقی - شوشـتر خیابان طالقانی جنب درمانگاه بهداشـت شماره ۲ مجتمع صاحب‌الزمان(عج) طبقه اول واحد سوم
خواندگان: ۱- بهمن محمودی - شوشـتر دروازه خیابان رسالت روبروی سوپرمارکت موسوی ۲- محسن قلی‌زاده - شوشتر کوی فرهنگیان بوستان سوم منزل اول ۳- سیدعلی امین‌زاده- شوشتر خیابان امام ضلع غربی دفتر پستی امین‌زاده ۴- سعید محمودی - شوشتر دروازه لین یک روبروی سوپر مارکت موسوی
خواسته: مطالبه

«رای دادگاه»

در خصوص دادخواسـت شـرکت تعاونی اعتبار ثامن‌الائمه به مدیریت عاملی آقای محمدحسین نظـری توکلی با وکالت آقای وحید حقیقی به طرفیت آقایان ۱- بهمن محمودی فرزند حمزه‌علی ۲- محسـن قلی‌زاده فرزند مهدیقلی ۳- سیدعلی امین‌زاده فرزند سیدجلیل ۴- سعید محمودی فرزند بهمن بخواسـته مطالبه مبلغ ۵۱/۱۵۰/۲۷۰ ریال بابت اخذ تسـهیلات بانکی و تاخیر تادیه تا تاریخ ۹۱/۲/۱۶ بانضمام هزینه دادرسـی به شـرح دادخواسـت تقدیمی با عنایت به رونوشت مصدق مستندات خواهان و قرارداد فروش اقساطی به شماره ۱۰۳۱۵۱ فی‌مابین خواهان و خوانده ردیف اول و ضمانت سـایر خواندگان و عدم حضور و دفاع خواندگان علی‌رغم ابلاغ وقت دادرسی بنحو واقعی به خوانده ردیف سـوم و بنحو قانونی به سـایر خواندگان و عدم ارائه دلیلی بر برائت ذمه خویش و با توجه به سـایر قرائن و امارات موجود در پرونده علیهذا دادگاه دعوی خواهان را ثابت تشـخیص داده و مسـتندا به تبصره ۲ ماده ۵ قرارداد مذبور و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آئین دادرسـی مدنـی ومواد ۱۰ و ۲۱۹ قانـون مدنی و مواد ۴۰۳ و ۴۰۴ قانون تجـارت خواندگان را متضامنـاً محکوم‌به پرداخت مبلغ پنجاه و یک میلیون و یکصد و پنجاه هزار و دویسـت و هفتاد ریال بابت اصل خواسته و پرداخت خسارت تاخیر تادیه به ازاء هر روز یک ریال در هر هزار ریال اقسـاط معوقه از تاریخ ۹۱/۲/۱۷ تا زمـان اجرای حکم و مبلغ یک میلیـون و یکصد و چهل و هشـت هزار ریال بابت هزینه دادرسی و یک میلیون و هشتصد وچهل هزار ریال بابت حق‌الوکاله وکیل در حق خواهان می‌نماید این رای در مورد خوانده ردیف سـوم مستند به ماده ۳۰۳ قانون مارالذکر حضوری محسـوب و ظرف بیسـت روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر اسـتان خوزستان می‌باشد و در مورد سـایر خواندگان غیابی و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین مرجع و سـپس ظرف بیست روز پس از آن قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان می‌باشد.

خواجه حسن‌زاده
رئیس شعبه اول دادگاه حقوقی شوشتر

شنبه‌ها (سراسر کشور)
زن روز
اولین نشریه مخصوص بانوان با مطالب متنوع و خواندنی

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه)

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۵۶- ۱۷۶۹۵سهم از ۱۴۱۵ سهم ششدانگ یک قطعه زمین به شماره پلاک یک فرعی ۹۱۶۳ واقع در بخش ۲۳ یزد ثبت و سند مالکیت بنام آقای حمید خلخال‌زر فرزند رمضان به شناسنامه ۲۷۷ میبد صادر که حدود ششدانگ بدین نحو میباشد شمالا بطول ۶۸ متر به کوچه بن‌بست شرقا بطول ۲۰ متر مرزیست اشتراکی به باقی مانده ۹۱۶۳ جنوبا در سه قسمت اول ۲۴ متر مرزیست اشتراکی به ۹۱۶۲ دوم بطول ۳۲/۷ متر مرزیست اشتراکی با زمین ۹۱۶۲ سوم بطول ۱۰ متر مرزیست به رودخانه غربا بطول ۲۲ متر مرزیست به رودخانه به مساحت ۱۴۱۵ متر مربع طبق نظر کارشناس رسمی حسب السهم مالک به مبلغ ۴۹۹/۲۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده که برابر گزارش مامور اجرا ملک مزبور بصورت ساختمان نیمه‌ساز در حد ساخت فقط زیرزمین در تصرف مالک می‌باشد و پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۰ در اداره ثبت میبد واقع در خیابان کاشانی از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ ۴۹۹/۲۰۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می‌شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی‌های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه‌های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می‌گردد ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.
تاریخ انتشار چهارشنبه ۱۳۹۵/۹/۱۷

رئیس ثبت میبد – محمد دهقان بنادکی

آگهی حصر وراثت

آقای عبدالحسین شهرت مهدی‌نیا نام پدر حتوکی بشناسنامه ۸۲۰۳ صادره از اهواز درخواستی به خواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که پدرم مرحوم حتوکی شهرت مهدی‌نیا بشناسنامه ۷۷ صادره اهواز در تاریخ ۹۵/۶/۵ در شهر اهواز اقامتگاه دائمی خود فوت ورثه‌اش عبارتند از: ۱- متقاضی با مشخصات فوق ۲- عبدالرزاق مهدی‌نیا شماره شناسنامه ۸۸ صادره از اهواز ۳- عبدالعلی مهدی‌نیا شماره شناسنامه ۴۹۴ صادره از اهواز ۴- عبدالنبی مهدی‌نیا شماره شناسنامه ۱۰۶۵۵ صادره از اهواز ۵- احمد مهدی‌نیا شماره شناسنامه ۱۲۵۷ صادره از اهواز ۶- منصور مهدی‌نیا شماره شناسنامه ۹۳۷ صادره از اهواز ۷- ناصر مهدی‌نیا شماره شناسنامه ۱۴۰۳ صادره از اهواز (فرزندان ذکور متوفی) ۸- کاظمیه ضبی شماره شناسنامه ۳۲۱ صادره از اهواز ۹- فخریه مهدی‌نیا شماره شناسنامه ۸۲۰۴ صادره از اهواز (فرزندان اناث متوفی) ۱۰- طلعت کمال‌پور شماره شناسنامه ۴۶۶۷ صادره داراب (زوجه متوفی) و لاغیر بشرح دادخواست تقدیمی ۹۵۰۴۵۶/۸/۹۵ حقوقی می‌باشد.

اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۲ اهواز
اسلامی

کارت هوشمند اینجانب حسین حدیدی فرزند محبت‌اله بشماره کارت ۱۸۷۰۹۰۴ و کارت هوشمند کامیون به شماره پلاک ۶۲-۹۱۸ع۸۲ به نام علی فتاحی امیردهی فرزند میرزاآقا به کدملی ۲۰۶۲۱۱۵۳۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

خواهان شاکی ستاد اجرائی فرمان حضرت امام(ره) اداره کل نمایندگی استان سمنان دادخواسـتی به طرفیت خوانده نرجس اسـماعیلی به خواسـته نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسـی به منظور فرار از مقررات این اصل تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرسـتان بخش بسـطام شهرسـتان شـاهرود نموده که جهت رسیدگی به شـعبه اول دادگاه عمومی حقوقی بخش بسـطام استان سـمنان واقع در استان سـمنان- شـاهرود- بسـطام- میدان امام جعفر صادق(ع)- ابتدای خیابان کشاورز- کد پسـتی: ۳۶۴۱۹۷۷۸۵۹ تلفن: ۳۹-۳۲۵۲۳۳۳۸ (کد ۰۲۳) ارجاع و به کلاسـه ۹۳۰۹۹۸۲۳۱۷۳۰۰۰۱۹ ثبت گردیده که وقت رسـیدگی آن ۱۳۹۵/۱۰/۶ و ساعت ۱۱:۳۰ تعیین شـده اسـت. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده نرجس اسماعیلی و درخواسـت خواهان / شـاکی و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دسـتور دادگاه مراتـب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشـار آگهی می‌شود تا خوانده متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشـانی کامل خود نسـخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

منشی شعبه اول دادگاه حقوقی بخش بسطام
اسـتان سـمنان- شـاهرود- بسـطام- میدان امام جعفر صادق(ع)- ابتدای خیابان کشاورز- کد پستی: ۳۶۴۱۹۷۷۸۵۹ تلفن: ۳۹-۳۲۵۲۳۳۳۸ (کد ۰۲۳)

خواهان ستاد اجرایی فرمان امام (ره) نمایندگی استان سمنان دادخواستی به طرفیت خوانده مهرالملوک عظیما به خواسـته تملیک یک سهم مشاع از کل پنج سهم شش دانگ پلاک ثبتی ۲۱۸ از فرعی ۳۳ اصلی بخش ۲ شاهرود تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرسـتان، شهرستان شـاهرود نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرسـتان شاهرود واقع در استان سمنان- شـاهرود- خیابان تهران- کد پستی: ۳۶۱۹۶۵۱۳۵۷ تلفن: ۵۴-۵۳-۵۲-۳۲۳۹۳۳۵۰ (کد ۰۲۳) ارجاع و به کلاسه ۹۵۰۴۴۴ ثبت گردیده که وقت رسـیدگی آن ۹۵/۱۱/۱۳ و ساعت ۸/۳۰ تعیین شده اسـت. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده به درخواسـت خواهـان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جرایدکثیرالانتشـار آگهی می‌شـود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشـانی کامل خود نسـخه دوم دادخواست و ضمائم را با دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه چهارم حقوقی دادگستری شاهرود

«آگهی ابلاغ دادخواست و ضمائم»

خواهان سـتاد اجرایی فرمان حضرت امام استان سمنان به مدیریت حسن دهشیری بـه طرفیـت ۱- مهرانگیـز ۲- روح‌انگیز ۳- حسـن ۴- فرخ ۵- هوشـیار جملگی طلوعیان فرزندان جان احمد به خواسـته اعتراض ثالث نسـبت به دادنامه شـماره ۹۳۰۹۹۷۲۳۲۱۲۰۰۵۲۲ - ۱۳۹۳/۴/۳۱ صادره از شـعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرسـتان مهدیشهر و فسـخ آن و صدور حکم به بطلان و صدور قرار تأخیر اجرای حکم برابر ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسـی مدنی بدادگاه عمومی مهدیشـهر ارائه که جهت رسـیدگی به شعبه اول این دادگاه ارجاع و شماره کلاسه ۹۵۰۲۳۰ عمومی ح ثبت و برای یکشنبه مورخ ۹۵/۱۰/۱۹ ساعت ۱۰:۳۰ صبح تعیین وقت گردیده است و چون خواندگان ۲- روح انگیز ۳- حسن ۴- فرخ ۵- هوشیار جملگی طلوعیان فرزندان جان احمد مجهول‌المکان اعلام شده‌اند لذا برحسب تقاضای خواهان و دستور دادگاه مستند به ماده ۷۳ مصوب ۱۳۷۹ مراتب فوق یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار درج و از خواندگان فوق‌الذکر دعوت می‌شود که از تاریخ نشر آگهی قبل از حلول وقت دادرسـی به دفتر شـعبه اول این دادگاه مراجعه ضمن دریافت دادخواست و ضمائم آدرس دقیق خودرا کتباً اعلام دارند و در جلسـه دادرسی شرکت نمایند. در غیر این صورت مفاد دادخواسـت و ضمائم و وقت دادرسی ابلاغ شده تلقی و دادگاه تصمیم مقتضـی را اتخاذ خواهد نمود. چنانچه بعداً نیازی به درج آگهی باشـد فقط یکبار و مدت آن ده روز خواهد بود.

محمدذوالفقاریان- مدیر دفتر شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی مهدیشهر

خواهان ستاد اجرایی فرمان امام(ره) نمایندگی استان سمنان دادخواستی به طرفیت خوانده مهرالملوک به خواسـته تملیک یک سـهم مشاع از کل پنج سهم شش دانگ پـلاک ثبتی ۲۳۱ فرعـی از ۳۳ اصلی واقع در بخش ۲ شـاهرود تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرسـتان، شهرستان شـاهرود نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرسـتان شاهرود واقع در استان سمنان- شاهرود- خیابان تهران- کد پسـتی: ۳۶۱۹۶۵۱۳۵۷ تلفن: ۵۴-۵۳-۵۲-۳۲۳۹۳۳۵۰ (کد ۰۲۳) ارجاع و به کلاسه ۹۵۰۴۴۵ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۹۵/۱۱/۱۳ و ساعت ۹/۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشـانی کامل خود نسـخه دوم دادخواست و ضمائم را با دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه چهارم حقوقی دادگستری شاهرود

دادنامه

پرونـده کلاسـه ۹۴۰۹۹۸۳۸۱۰۲۰۰۴۸۰ شـعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرسـتان شهرکرد تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۳۸۱۰۲۰۰۵۸۴
خواهان: آقای مجتبی دانش شهرکی فرزند غلامعلی با وکالت آقای فرزین فدائی آشیانی فرزند مجتبی به نشانی اصفهان - خ نیکبخت روبه‌روی دادگستری ساختمان ماکان ۵ ط ۴ واحد ۴۵
خواندگان: ۱. آقای علی حسـین رضائی فرزند عبدالحسین ۲. آقای حمید حمزه شلمزاری فرزنـد خدارحم همگی به نشـانی مجهول‌المـکان ۳. تعاونی مسـکن کارگران خدمات سـاختمانی شـهرکرد به نشانی اسـتان چهارمحال و بختیاری - شهرسـتان شهرکرد - شـهرکرد - منظریه بلوار شـهید کریم بیاتی خیابان ابوموسی روبروی ساختمان فانوس ۴. آقای احمدرضا ارزانی دهکردی فرزند فتحاله به نشـانی استان چهارمحال و بختیاری- شهرستان شهرکرد - شهرکرد - خیابان فردوسی جنوبی - کوچه شیراز پلاک ۱۱
خواسـته‌ها: ۱- مطالبه وجه چک ۲- مطالبه خسارت دادرسی ۳- مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۴- تامین خواسته

رای دادگاه

در خصـوص دعوی آقای مجتبی دانش شـهرکی فرزند غلامعلی بـا وکالت آقای فرزین خدایی آشـتیانی به طرفیت ۱- تعاونی مسـکن کارگران خدمات سـاختمانی شـهرکرد ۲- علی حسـین رضایی فرزند عبدالحسـین ۳- حمید حمزه شـلمزاری فرزند خدارحم ۴- احمدرضـا ارزانی دهکردی فرزند فتح‌الله به خواسـته مطالبه وجه یک فقره چک به شماره ۸۰۹-۷۵۹۷۸۳ عهده بانک مسکن به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و انضمام مطالبه خسـارت دادرسـی و خسـارات تاخیر تادیه و حق‌الوکاله وکیل و بدوا صدور قرار تامین خواسـته به میزان خواسـته به صورت اجرا قبل از ابلاغ دادگاه بـا عنایت به گواهی عدم پرداخت بانک محال علیه و امضا خواندگان در ذیل چک‌ها با عنایت به پاسـخ استعلام از بانک مربوطه که چک مذکور به علت کسـر موجودی قابل پرداخت نیست و امضای صحت راست چک مربـوط را به آقای حمید حمزه شـلمزاری در حد عرف مطابقت داشـته دفاعیات خواندگان را غیرموجه دانسـته و خواندگان دلیلی مبنی بر پرداخت مافی‌الذمه خود ارائه نداده‌اند دعوی خواهان را مقرون به صحت تشـخیص داده و مستنداً به مواد ۳۱۳ و ۳۲۰ قانون تجارت و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و مواد ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امـور مدنی حکم به محکومیت خواندگان به صورت تضامنی به پرداخـت مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسـته و همچنین به پرداخـت مبلغ ۳۹۶۷۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسـی و همچنین بـه پرداخت مبلغ ۳۶۰۰۰۰۰ ریـال بابت حق‌الوکاله وکیل در مرحله بـدوی و در صورت دخالت در مرحله تجدیدنظر مطابق تعرفه آن مرحله و همچنین به پرداخت خسـارت تاخیر تادیه نسبت به خواسته از تاریخ چک مذکور بر مبنای تناسب تغییر شاخص سالانه اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسـلامی ایران که محاسبه آن بر عهده واحد اجرای احکام مدنی دادگاه می‌باشد در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد. رای صادره نسـبت به خوانده ردیف اول و دوم حضوری و ظرف مدت بیسـت روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه محترم تجدیدنظر استان می‌باشـد و نسبت به سایر خواندگان غیابی و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در این شـعبه و سـپس ظرف مدت بیست روز قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر اسـتان می‌باشد و در خصوص درخواست خواهان مبنی بر صدور قرار تامین خواسـته از اموال خواندگان و نظر به اینکه در تاریخ پنجم بهمن ماه سال هزار و سـیصد و نود و چهار به وکیل ایشـان ابلاغ شده است به نحو صحیح و قانونی که صدور قرار تامین خواسته منوط به ایداع خسارت احتمالی به میزان ۶ درصد خواسته ظرف یک هفته است و خواهان اقدامی در این خصوص به عمل نیاورده است مستنداً به مواد ۱۰۸ و تبصره آن و ۱۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار رد درخواست تامین خواسته صادر و اعلام می‌گردد. رای صادره در این خصوص قطعی است.

سعید محمدی فرد - دادرس شعبه اول دادگاه حقوقی شهرکرد

آگهی تغییرات شرکت دینا مولد پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۴۶۳۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۴۷۲۹۳

به اسـتناد صورتجلسـه مجمع عمومی فوق‌العاده مـورخ ۱۳۹۵/۱/۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
محل شـرکت به آدرس تهران، خیابان کارگر شـمالی، پلاک ۱۵۶۹، طبقـه ۴، واحد ۱۱ کد پسـتی ۱۴۱۷۹۹۴۳۳۵ انتقـال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران